

ایران مطرح نبود. آنها بنا به دلایل و نیت دیگری چنین مصوبه‌ای گذاشته بودند که به ضرر ما هم بود. اصلاً انتشار آگهی‌های دولتی با آن تعرفه به نفع ما نبود.

آن دستگاه کدام بود؟

نخواستیم اسم ببریم اما حالا که می‌پرسید، باید بگویم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چنین چیزی را با هدف کنترل هزینه دستگاه‌ها پیگیری و مصوب کرده بود.

پس به نظر شما، روزنامه ایران در دوره نزدیک به ۵ ساله حضور شما موفق بوده است؟

این را بقیه باید قضاوت کنند؛ اما از دید خودم بله و اگر بخواهم رمز موفقیت روزنامه را بگویم، این بود که ما بالاخره با همت مدیران و همه همکاران، درآمد مؤسسه را بالا برده بودیم و تمام درآمدها و نقدینگی را صرف توسعه روزنامه می‌کردیم. این توسعه روزنامه باعث می‌شد که اثرگذاری روزنامه ایران هم بالا رود و جایگاهش بهتر شود. در کنار آن حتماً پرسنل را هم در این افزایش درآمدها و توسعه مشارکت می‌دادیم.

یکی از ویژه‌ترین و خاص‌ترین اتفاقی که برای شما در دوره مدیریتتان در روزنامه ایران افتاد، چه بود که برای همیشه در ذهن‌تان مانده است؟

شکایتی از روزنامه ایران شد و من در دادگاه به زندان و شلاق محکوم شدم. این کار جنجال‌های زیادی به همراه داشت. از جمله اینکه در خطبه‌های نماز جمعه درمورد آن صحبت شد. تعداد زیادی از روزنامه‌ها هم مقاله‌های خود را به آن موضوع اختصاص دادند. اعضای هیأت منصفه مطبوعات هم در اعتراض به آن موضوع استعفا کردند. مقام‌های ارشدی هم در این خصوص ورود پیدا کردند. این شاید یکی از مقاطع خاص روزنامه ایران باشد.

شکایت از شما به چه دلیل بود؟

آقای مهدی هاشمی رفسنجانی شکایت کرده بود. نامه چند تشکل دانشجویی را منتشر کرده بودیم که امضاکنندگان از قوه قضائیه خواسته بودند به اتهامات او رسیدگی کند.

شما در «ایران» مسئولیت مهمی به عنوان مدیرمسئول داشتید. در دوره ۵ ساله مسئولیت خود چه اقداماتی را در راستای تحول بخشیدن به کارکرد این مجموعه از سر گذراندید؟

من می‌توانم به گسترش حوزه فعالیت و تکمیل سبب رسانه‌ای روزنامه و مؤسسه ایران اشاره‌ای داشته باشم. در آن برهه زمانی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به گستردگی الان نبود و ما به نشریات توجه ویژه داشتیم. راه‌اندازی آژانس عکس، شبکه خبری ایران یا همان ایران آنلاین و نیز انتشار روزنامه ایران چاپ عصر را در همان زمان آغاز کردیم. ما در همه استان‌ها یک روزنامه اختصاصی ۴ صفحه‌ای با نام «ایران زمین» برای همان استان منتشر می‌کردیم. همچنین تصمیم گرفتیم روزنامه عربی «الوفاق» را در خارج از کشور منتشر کنیم. به همین منظور من با شماری از مقام‌های لبنانی از جمله رئیس مجلس و وزیر فرهنگ وقت این کشور رایزنی‌هایی داشتم. دغدغه آنها این بود که این رسانه عربی بر اساس ملاحظات و چهارچوب‌های فکری این کشور منتشر شود و اگر بخواهید خط خود را بروید، ممکن است حاشیه‌هایی ایجاد شود. وقتی من این مسأله را در ملاقات حضوری با شهید سید حسن نصرالله مطرح کردم، ایشان بشدت مخالفت کرد و تأکید کرد اگر روزنامه ایران قصد انتشار «الوفاق» را در بیروت دارد، باید بر اساس ملاحظات و ادبیات خود جمهوری اسلامی باشد.

آیا تغییراتی در ساختار روزنامه هم انجام دادید؟

بله؛ یکی از مسائلی که دنبال کرده بودیم، تغییر ساختار مؤسسه و روزنامه ایران بود که ما با هماهنگی رئیس جمهوری وقت و مساعدت ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد وقت جناب آقای صفارهرندی توانستیم ساختار مؤسسه و روزنامه ایران را مستقل نماییم. اتفاقاً مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی وقت هم بسیار از این قضیه استقبال کرد که «ایران» بالاخره می‌تواند به عنوان یک مؤسسه مستقل خصوصی ذیل وزارت ارشاد با حفظ منافع و اصول دولت، کار خود را انجام دهد و به این ترتیب دیگر زیرمجموعه خبرگزاری جمهوری اسلامی نباشد. بنابراین امتیاز مؤسسه ایران از ایرنا مستقل و صاحب امتیاز شد. این از دید من به نفع خود خبرگزاری هم بود چون که روزنامه ایران می‌توانست بسیار مستقل باشد و حتی کمک‌رسان خبرگزاری ایرنا هم باشد. اما متأسفانه بعد از ما عزیزان نوع دیگری به این قضیه نگاه می‌کردند و دوباره امتیاز مؤسسه را به خبرگزاری جمهوری اسلامی بازگرداندند.

درباره دامنه نفوذ روزنامه در آن مقطع بفرمایید.

روزنامه ایران در آن مقطع یکی از بالاترین تأثیرگذاری‌ها را داشت و در بالاترین سطوح حاکمیت حضور و مشارکت داشت و اثرگذاری آن دیده می‌شد. چند نفر از دوستان بعضی وقت‌ها درباره جایگاه آن دوره روزنامه ایران شوخی با من داشتند و موضوعی را یادآوری می‌کردند؛ در مقطع خاصی که در کشور ما در یکی از آن سال‌ها حوادثی پیش آمد که مجبور شده بودند ۱۵ خط تلفن ویژه در کشور تعریف کنند که این افراد بتوانند مدام با هم در تماس باشند؛ به عنوان مثال جزو ۱۵ نفر آقای رئیس جمهوری، رئیس دفتر رئیس جمهوری، رئیس صدا و سیما، دبیر شورای امنیت ملی و وزیاری مانند کشور و اطلاعات بودند که مدیر مسئول روزنامه ایران یکی از آن ۱۵ نفر بشمار می‌رفت. البته علاوه بر دولت و شخص رئیس جمهوری، تمام حاکمیت این نگاه را به مؤسسه داشتند؛ مثلاً دکتر جلیلی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی در چند نوبت قبل از مذاکرات هسته‌ای در تماس با من، به مؤسسه ایران از جمله ایران دیلی سفارش می‌کرد که به موضوع خاصی درباره مذاکره به طور تحلیلی پرداخته شود و ما منتشر می‌کردیم که شنیدم ایشان در چند جلسه از مذاکرات آن نسخه‌های مکتوب را می‌برد و در مباحث خودشان مورد اشاره قرار می‌داد.

آیا در آن ایام با مشکلات جدی هم بویژه در حوزه اجرایی مواجه شدید؟

مؤسسه به دلیل ظرفیت‌هایی که داشت و توسعه‌ای که بتدریج برای آن ایجاد شد، جای خود را بیش از گذشته پیدا کرده بود. بالاخره روزنامه به دلیل حجم گسترده فعالیت‌هایش حتماً با اشکالات و اشتباه‌هایی هم روبه‌رو می‌شود. اما ما سعی می‌کردیم از تمام ظرفیت‌ها برای عبور از محدودیت‌ها استفاده کنیم و علاوه بر مدیران، دیگر همکاران نیز نسبت به مؤسسه و روزنامه حس مشارکت و مسئولیت‌پذیری داشته باشند. در برخی مواقع کارگران و بچه‌های زحمتکش چاپخانه نیمه شب با من تماس می‌گرفتند و مثلاً می‌گفتند که فلان کلمه در یک تیتر اشتباه است؛ یعنی همان کارگر عزیز ما خود را در روزنامه شریک می‌دانست. من فکر می‌کنم رمز موفقیتی که روزنامه در آن مقطع داشت، عمل به وظیفه و تکلیفی بود که مدیریت روزنامه در کنار همت و حمایت همه بچه‌ها رقم زدند.

چرا با این تجربه کاری موفق از روزنامه رفتید؟

من نمی‌خواهم به چیزهای بد فکر کنم؛ صرفاً خاطرات خوب خود را از این روزنامه برای شما تعریف کردم؛ خاطرات بد بماند برای ما و دوستانی که در جریان آن موضوعات بودند.



یکی از مسائلی که دنبال کرده بودیم، تغییر ساختار مؤسسه و روزنامه ایران بود که ما با هماهنگی رئیس جمهوری وقت و مساعدت ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد وقت جناب آقای صفارهرندی توانستیم ساختار مؤسسه و روزنامه ایران را مستقل نماییم. اتفاقاً مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی وقت هم بسیار از این قضیه استقبال کرد که «ایران» بالاخره می‌تواند به عنوان یک مؤسسه مستقل خصوصی ذیل وزارت ارشاد با حفظ منافع و اصول دولت، کار خود را انجام دهد و به این ترتیب دیگر زیرمجموعه خبرگزاری جمهوری اسلامی نباشد